

## تشدید نزاع های درونی هیئت حاکمه و تاثیر آن بر انتخابات اسفند ماه

با نزدیک شدن دوره های پنجم و دهم انتخابات خبرگان و مجلس شورای اسلامی، تنش های درونی جمهوری اسلامی نیز بیش از پیش بازتاب بیرونی یافته اند. اگرچه بروز و تشدید تضادهای درونی رژیم در ماه های نزدیک به هر دوره انتخاباتی به یک امر ذاتی این نظام تبدیل شده است، اما اینبار ظاهراً به دلیل اهمیتی که "انتخابات" دوره پنجم خبرگان رهبری برای دو جناح اصلی هیئت حاکمه ایران دارد، دامنه تنش های موجود تا حدودی گسترده تر از دوره های پیشین است. درک و فهم این مناقشات هم چندان امر پیچیده ای نیست. فقط با یک نگاه سطحی و گذرا به رسانه ها و سایت های وابسته به جمهوری اسلامی به راحتی می توان عمق شکافی را که هم اکنون در هرم قدرت میان باند خامنه ای و جناح روحانی - رفسنجانی نمایان شده است، دریافت. تردیدی نیست که این کشمکش ها در روزهای نزدیک به "انتخابات" شدیدتر و چه بسا با روشن شدن میزان ابعاد رد صلاحیت مجموعه کاندیداهای "اعتدال گرایان" و "اصلاح طلبان" ابعاد باز هم وسیعتری به خود بگیرد.

با این همه، آنچه در طی همین هفته های گذشته شاهدش بوده ایم، آتش بی امان توپخانه طرفداران "ذوب در ولایت" است که از هر سو و بی محابا تر از دوره های گذشته به سمت کابینه روحانی و حامیانش و به طور اخص شخص رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام شلیک می شوند. به جرأت می توان گفت که همه عناصر مطرح و شناخته شده جناح موسوم به "اصولگرایان" از اعضای شورای نگهبان گرفته تا رئیس قوه قضائیه، از خطیب های نماز جمعه گرفته تا فرماندهان سپاه و ارتش، از نمایندگان خامنه ای در حوزه های سیاسی و نظامی تا مجموعه عناصر موسوم به "دلوایسان" به همراه نمایندگان عضو جبهه پایداری همه به صورت یک تن واحد و شبانه روزی نسبت به خطر "افراد نفوذی" و ورود عناصر "بی بصیرت" به مجلس خبرگان رهبری هشدار می دهند.

در صفحه ۲

## برای کارگران این بحران تنها یک راه حل دارد

بر دامنه بحران اقتصادی روز به روز افزوده می شود تا جایی که بهرغم بلند بودن دیوار حاشا، دیگر هیچ جایی برای کتمان رکود عمیق اقتصادی نمانده، به گونه ای که حتی مقامات کابینه روحانی و نهادهای مربوط به کابینه نیز مجبور به اعتراف شده اند. گزارش اخیر بانک مرکزی از شاخص های اقتصادی بهار سال ۹۴ یک نمونه از این اعترافات است.

بانک مرکزی ششم دی ماه، شاخص های اقتصادی سه ماهه اول سال ۹۴ را البته به صورتی ناقص منتشر نمود. براساس این گزارش، تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت سال ۸۳ از ۲۱۵۷۹۳۴ میلیارد ریال به ۲۰۷۵۶۹۹ میلیارد ریال در سال ۹۳ رسیده است. در این گزارش البته درصد تولید ناخالص داخلی در سه ماهه اول سال ۹۴ نامشخص است، اما از دیگر آمارهای ارائه شده از جمله کاهش تولیدات صنعتی می توان دریافت که روند کاهش تولید ناخالص داخلی در بهار ۹۴ ادامه یافته است. و البته باز شکی نیست که کاهش تولید ناخالص داخلی در طول سال ۹۴ به

در صفحه ۳

## خامنه ای، خلافت اسلامی و امپریالیسم آمریکا

روز نهم دی ماه، رهبر حکومت اسلامی، سخنرانی غزائی به مناسبت میلاد محمد، پیامبر مسلمانان ایراد کرد. وی که در دیدار با مسئولان نظام و جمعی از "سفیران کشورهای اسلامی" که در ارتباط با "کنفرانس وحدت اسلامی" در تهران بسر می بردند، سخن می گفت، از جایگاه به زعم خود "رهبر مسلمانان جهان" به چند موضوع اشاره کرد.

مهمترین محور سخنرانی خامنه ای "اسلام" بود. وی ضمن اشاره به "دنیای پر از ظلم و تبعیض و خشونت" تلویحاً تلاش نمود اسلام را از تبعیض و ظلم و خشونت مبرا جلوه دهد. خامنه ای با ذکر اینکه "با ظهور اسلام و ولادت و بعثت پیامبر، روح زندگی و معنویت واقعی در جهان دمیده شده است، "دنیای اسلام" را به "تلاش برای دمیدن روح واقعی اسلام" فرا خواند. خامنه ای با حمله به "تمدن غرب" گفت، "اکنون نوبت دنیای اسلام است تا در جهت برپایی تمدن نوین اسلامی حرکت کند!"

رهبر حکومت اسلامی، گیریم که در اوهام و

در صفحه ۴

## جنبش کردهای ترکیه برای برقراری خودمختاری

یک ماه از لشکرکشی نظامی رژیم ارتجاعی ترکیه به استان ها و شهرهای کردنشین جنوب شرقی این کشور، اعلام حکومت نظامی در چندین شهر، گلوله باران مردم کرد با توپ و تانک، ویران کردن مراکز مسکونی، کشتار مردم غیرنظامی، آوارگی صدها هزار تن از ساکنین این شهرها و بازداشت گروه کثیری از مردم، می گذرد.

در حالی که اردوغان، سردسته شوونیست های ترک، ادعا می کرد که با گسیل ده ها هزار نیروی نظامی، به ناآرامی در شهرهای منطقه کردستان پایان خواهد بخشید و با "پاک سازی" این شهرها، "امنیت" را برقرار خواهد کرد، مقاومت و مبارزه مردم، در اشکال مسلحانه و غیرمسلحانه همچنان در سور، سلوبی، جزیره، سیزر، دیار بکر و دیگر شهرها ادامه دارد. بهرغم وحشیگری ارتش ترکیه، مردم کردستان ترکیه در تعدادی از شهرها، خودمختاری اعلام کرده اند.

ارتش ترکیه در بیانیه ۱۲ دی ماه اعلام کرد "۱۷۹ شبه نظامی در منطقه «جزیره» در استان «شرواق»، ۲۷ نفر در شهر «سیلوبی» و ۵۵ نفر در منطقه «سور» استان «دیاربکر»، کشته شده اند" اما بر طبق آمار واقعی تنها رقم غیرنظامیانی که توسط ارتش ترکیه به قتل رسیده اند به حدود ۱۸۵ نفر رسیده و نزدیک به ۲۰۰ تن از پارتیزان های پ.ک.ک جان باخته اند. تعداد تلفات نظامیان ارتش ترکیه نیز به حدود

در صفحه ۶

### یادداشت های سیاسی

#### سوانح کار یا قتل عمد کارگران؟

در صفحه ۱۰

#### نقش رژیم جمهوری اسلامی در افزایش قربانیان آنفولانزای خوکی

در صفحه ۸

#### خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

در صفحه ۹

## تشدید نزاع های درونی هیئت حاکمه و تاثیر آن بر انتخابات اسفند ماه

اصولگرایان و طیف طرفدار بی چون و چرای خامنه ای در بیان الفاظ تند و تیزی که استفاده می کنند، تا بدانجا پیش رفته اند که مدام از بروز فتنه بزرگتری به نام "فتنه ۹۴" یا "فتنه رفسنجانی" یاد می کنند. البته آنان روحانی و کابینه اش را نیز از این حملات بی نصیب نکرده و در اظهار نظرهای پراکنده با کمی تعامل از حسن روحانی، خاتمی و مجموعه "اعتدالگرایان" و "اصلاح طلبان" حکومتی نیز به عنوان بازیگران "فتنه ۹۴" نام می برند. گرچه سیل این حملات فعلا و تا این لحظه به گونه ای حساب شده روی هاشمی رفسنجانی و خاندان او متمرکز شده است.

علی سعیدی، نماینده خامنه ای در سپاه پاسداران و یکی از چهره های شاخص مخالف رفسنجانی و منتقد دولت روحانی در سخنانی کنایه آمیز نسبت به اظهار نظر رفسنجانی در مورد کاندیدا شدن حسن خمینی برای مجلس خبرگان که هاشمی از او بعنوان "علامه" نام برده بود، واکنش نشان داده و گفت: "کسی که از یک طلبه یک علامه می سازد، اگر در راس مجلس خبرگان قرار گیرد چه کاری با انقلاب می کند و بنده واقعا نگران هستم". صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه نیز با بیان "علامه تراشی در حوزه ها" و اینکه با طرح "نظارت بر رهبری" سعی دارند جامعه را دو قطبی کنند، گفت: حرکات بوداری با زیرکی در حال شکل گیری است.

مسعود جزایری معاون ستاد نیروهای مسلح نیز در واکنش به اظهار نظر هاشمی رفسنجانی که طی مصاحبه ای با روزنامه آرمان از ایده "رهبری شورایی" در نظام جمهوری اسلامی دفاع کرده بود، با بیان اینکه همواره عده ای در داخل بر طیل مخالفت باعالی ترین عنصر نظام یعنی مدل رهبری مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه می کوبند و یا با توطئه افکنی مخفیانه به دنبال مقابله با آن هستند، ضمن هشدار به هاشمی اعلام کرد: "نظام در برخورد با اشخاصی که بنا به سوابقتان برای خود مصونیت قائل هستند و علیه انقلاب مشغول توطئه چینی هستند، تعارف نخواهد کرد و بدون تردید باید با آنها برخورد جدی شود".

در میان انبوه حملاتی که این روزها به سمت دولت روحانی و رفسنجانی جاری شده است، آتشبار خمپاره های حسن فدایی، دبیر کل جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی بسیار شدیدتر از دیگران بر سنگر رفسنجانی بعنوان محور ایجاد "التهاب، ناامنی و تردید افکنی" در جامعه شلیک شده است. حسن فدایی در تاریخ ۶ دیماه طی نامه ای سرگشاده و مطول ضمن کنکاش در زندگی سیاسی رفسنجانی، خواستار "توبه" هاشمی از "فتنه گری" و بازگشت او به "قطار انقلاب" شده است. حسن فدایی در این نامه همچنین نسبت به ایده "رهبری شورایی" واکنش نشان داده و از رفسنجانی بعنوان "مستند سازی برای دشمن" و "بازیگر بزرگ کردن آمریکا" نام برده است.

در کنار هجوم بی وقفه و حملات گسترده "اصولگرایان" و "نوب شدگان" در ولایت که با هدف ترغیب شورای نگهبان به رد صلاحیت گسترده افراد و طیف منتسب به روحانی - رفسنجانی صورت می گیرد، جناح مقابل اما، تا این لحظه در واکنشی نسبتا انفعالی بسر می برد.

موضع گیری رفسنجانی در مورد ایده "رهبری شورایی" و طرح موضوع "نظارت بر رهبری" به رغم اینکه سخنان تازه ای نبوده، اما اینبار با توجه به حساسیت موضوع و آنهم در ماه های پیش از "انتخابات" اسفند ماه همانند آبی که در خوابگاه مورچگان ریخته باشند، نمایندگان و نهادهای زیر مجموعه خامنه ای را به واکنش های تند و تیز واداشته است. از این مورد استثنایی که بگذریم، در مقابل هجوم لجام گسیخته اصولگرایان، موضع روحانی و عقبه اش رفسنجانی و "اصلاح طلبان" تاکنون عمدتا انفعالی و صرفا بر حضور بیشتر کاندیداها جهت ثبت نام، دعوت شورای نگهبان به رعایت اجرای "قانون" در "انتخابات" و مهمتر از همه ترغیب مردم به حضور در پای صندوق های رای خلاصه شده است. مواضعی که عمدتا در سخنان رفسنجانی، حسن روحانی و وزیر کشور کابینه اش با کمی چاشنی تهدید مقابله با بی "قانونی" و زیاده روی شورای نگهبان در رد صلاحیت های فله ای کاندیداها منسوب به "اعتدالگرایان" و "اصلاح طلبان" بیان می شود. اما، همین موضع آنان در استقبال از حضور بیشتر داوطلبان ثبت نام در "انتخابات" نیز با واکنش منفی صادق لاریجانی، جنتی و محمد یزدی مواجه شده است. جنتی به عنوان رئیس شورای نگهبان از ازدیاد کاندیداها ابراز نگرانی کرده و یزدی به عنوان رئیس مجلس خبرگان و نیز عضوی از شورای نگهبان با اشاره به حضور زیاد کاندیداها اعلام کرد، به نظر می رسد که آنان "اهداف دیگری را دنبال می کنند".

در واقع به همان نسبت که خامنه ای و نهادهای منسوب به او برای حذف رقیب و جلوگیری از ورودشان به مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی با شدت و حدت هرچه بیشتری برنامه ریزی می کنند، در عوض به نظر می رسد که جناح روحانی- رفسنجانی و صد البته "اصلاح طلبان" حکومتی تقریبا به شرایط موجود تن داده اند. آن ها با تمکین به شرایط موجود و پذیرش حفظ همین اندازه از نیروهای خود در قدرت و بعضا فرستادن چند نفری بیشتر به مجلس خبرگان و یا مجلس ارتجاع اسلامی دل خوش کرده و عملا سیاست حفظ شرایط موجود و پیشبرد استراتژی صبر و انتظار را تا مرگ خامنه ای در پیش گرفته اند. در این میان اما، آنچه برایشان از اهمیت به سزایی برخوردار است و به شدت بر آن تاکید دارند، گرم کردن تئور "انتخابات" و کشاندن مردم به پای صندوق های رای است. سیاستی که طی دو دهه گذشته تحت عنوان "اصلاح طلبی" و با ایجاد توهم در میان توده مردم بیشترین سهم را در حفظ نظام جمهوری اسلامی داشته است. سیاستی که در این دوره نیز با حدت و شدت بیشتری دنبال می شود. اینکه اختلافات دو جناح اصلی حکومت جدی است، هیچ تردیدی در آن نیست. اینکه هر یک

از طرفین دعوا بر سر منافع خود و سهم بری بیشتر از قدرت جهت چپاول و غارت دسترنج کارگران و زحمتکشان حاضرند همدیگر را لجن مال کنند، بروی هم شمشیر بکشند و حتا یکدیگر را بدرند، هیچ شک و تردیدی در آن نیست. با وجود این و به رغم کاملا جدی بودن این نزاع ها و اینکه تشدید این تضادها بعضا می تواند جمهوری اسلامی را از درون تهی و تضعیف کند و این به نفع توده های تحت ستم ایران است، اما در این میان آنچه مهم است و نباید به فراموشی سپرده شود، این است که از قیل این جنگ و نزاع و تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه ایران، مردم دچار این توهم نشوند که با روی کار آمدن این جناح یا آن جناح و یا با تغییر ترکیب نمایندگان مجلس خبرگان یا مجلس شورای اسلامی تغییری در وضعیت کارگران و توده مردم ایران رخ خواهد داد. دل خوش کردن به چنین توهمات ویرانگری که این روزها با زیرکی تمام از طرف روحانی، رفسنجانی و مجموعه طیف "اصلاح طلبان" حکومتی و نمایندگان سیاسی آنان در خارج از ایران به شدت تبلیغ و ترویج می شود، همان فریب سیاسی مجموعه گرایش اصلاح طلبی برای بزک کردن نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی است.

گرم کردن تئور انتخابات فرمایشی و کشاندن مردم به پای صندوق های رای با توهم اینکه اگر تعداد بیشتری از طیف روحانی - رفسنجانی و یا "اصلاح طلبان" به مجلس خبرگان و یا مجلس شورای اسلامی راه یابند، شرایط جامعه تغییر خواهد کرد همان بازی سیاسی همیشگی طیف "اصلاح طلبان" است که در هر دوره انتخاباتی بر طبل آن می کوبند.

طی ۲۷ سال گذشته توده های مردم ایران هر چند سال، یک بار و به تناوب شاهد حضور برتر دو جناح "اصولگرا" و "اصلاح طلب" هیئت حاکمه در قوای اجرایی و قانون گذاری بوده اند. در تمام این دوره ها برای مردم ایران همواره در بر همان پاشنه چرخیده است. کارگران و توده های زحمتکش مردم خود به عینه شاهد بوده و تجربه کرده اند که با روی کار آمدن هر کدام از جناح های حاکمیت نه تنها تغییر و بهبودی در وضعیت آنان حاصل نشده، بلکه سال از پی سال اوضاع برای آنان وخیم تر هم شده است. کارگران و توده مردم ایران علاوه بر تجربه قدرت گیری "اصولگرایان" و "اصلاح طلبان" در دوره های گذشته، هم اکنون دو سال و نیم است که روی کار آمدن دولت "تدبیر و امید" و حضور طیف به اصطلاح اعتدالگرایان را نیز تجربه کرده اند. همه این طیف های رنگارنگ به رغم وجود تضاد منافع و کشمکش های غیر قابل انکاری که با هم دارند، به رغم پرونده سازی و افشاکاری علیه یکدیگر، در یک چیز مشترک اند و آن حفظ و استمرار همین نظام منحط سرمایه داری و دینی حاکم بر ایران است. نظامی که تمام بنیان اش بر ستم و سرکوب، زدوی و چپاول، زندان و کشتار، سلب آزادی های دمکراتیک، استثمار شدید کارگران و بی حقوقی محض زنان و آحاد مردم ایران پایه ریزی شده است. بارها دیده ایم و شاهدش بوده ایم در آن هنگام که توده های وسیع

## برای کارگران این بحران تنها یک راه حل دارد

روند خود ادامه داده است. جدا از کاهش بهای نفت و گاز از بهار سال جاری تاکنون و اهمیت این رشته در تولید ناخالص داخلی، واقعیت این است که در سایر بخش‌های اقتصادی به‌ویژه صنعت و مسکن رکود شدیدتر شده و طبیعی‌ست که در این شرایط با کاهش تولید ناخالص داخلی روبرو باشیم.

براساس این گزارش شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی در بهار سال ۹۴ نسبت به بهار سال ۹۳، ۴/۲ درصد کاهش داشته است. در بخش مسکن نیز شاهد کاهش پروانه‌های صادر شده و نیز ساختمان‌هایی که مراحل ساخت را طی می‌کنند نسبت به بهار ۹۳ به ترتیب ۱۳/۲ و ۶/۹ درصد هستیم. صادرات نفتی نیز از ۱۷۵۰۸ میلیون دلار در بهار سال ۹۳ به ۱۰۶۳۳ در بهار سال ۹۴ کاهش یافت. صادرات (نفتی و مجموع) و واردات نیز در این گزارش با کاهش روبرو بوده‌اند که یک نشانه‌ی دیگر از کمتر شدن تحرک اقتصادی و تشدید رکود هستند. اما به‌رغم کاهش تولید ناخالص داخلی که نتیجه‌ی مستقیم تشدید رکود است، ما شاهد افزایش نقدینگی هستیم. براساس این گزارش، نقدینگی از ۶۶۵۳ هزار میلیارد ریال در بهار سال ۹۳ به ۸۱۶۶ هزار میلیارد ریال در بهار سال ۹۴ افزایش یافت. در طی این مدت پایه پولی نیز از ۱۱۵۹ به ۱۳۱۷ هزار میلیارد ریال رسید. در این مدت (بهار سال ۹۴ به نسبت بهار سال ۹۳) همچنین شاهد افزایش بدهی دولت به سیستم بانکی (بانک مرکزی و دیگر بانک‌ها)، کاهش درآمدهای دولت، افزایش بدهی بخش غیردولتی به بانک‌ها، و به‌ویژه کاهش شدید شاخص سهام و ارزش بازار سهام بودیم. شاخص قیمت سهام از ۷۲۹۶۹ در بهار سال ۹۳ به ۶۳۸۱۱ در بهار سال ۹۴ رسید. در طی این مدت ارزش جاری بازار سهام نیز از ۳۴۸۴ هزار میلیارد ریال به ۲۷۹۳ هزار میلیارد ریال رسید. شاخص کل فرابورس و ارزش بازار فرابورس نیز در طی این مدت کاهش یافتند. اما دیگر نکته مهم که می‌تواند نمایی روشن از عمق بحران رکود تورمی باشد، ارزش معاملات بورس است. ارزش سهام مورد معامله بازار بورس در بهار سال ۹۳، ۲۳۷ هزار میلیارد ریال بود که در بهار سال ۹۴ با سقوط شدید به ۸۹ هزار میلیارد ریال رسید.

این آمارها که همه به زبان دولت بیان شده است، بیان‌گر چیزی جز تشدید رکود نیستند، اگرچه هرگز ابعاد بحران رکود - تورمی را بیان نمی‌کند. در حالی که تنها یکسال و نیم به پایان دوره‌ی ۴ ساله ریاست‌جمهوری روحانی باقی مانده است، در طول این مدت نه تنها بهبودی در وضعیت اقتصادی رخ نداده، بلکه همان‌طور که حتی آمارهای دولتی نشان می‌دهند بحران عمیق‌تر شده است. بنابراین تا این‌جا کار روحانی مانند اسلاف خود جز دروغ چیزی تحویل مردم نداده است.

بیکاری ابعادی هراسناک یافته به‌گونه‌ای که حتی مقامات جمهوری اسلامی نیز از ابعاد آن به وحشت استفاده‌اند. بسیاری از مراکز و کارخانجات صنعتی تعطیل شده و یا به صورت نیمه تعطیل

درآمده‌اند. به‌گفته‌ی رئیس هیات مدیره "انجمن تخصصی صنایع همگن نیرو محرکه و قطعات خودرو"، بیش از نیمی از کارخانه‌ها در حوزه قطعه‌سازی تعطیل شده و یا با ظرفیت کمتر از ۳۰ درصد کار می‌کنند. رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت اصفهان نیز از تعطیلی ۳۰ درصد از واحدهای صنعتی استان اصفهان خبر داده و می‌گوید "۲۱ درصد از واحدهای صنعتی نیز زیر ۲۵ درصد کار می‌کنند". براساس گزارش تهیه شده از سوی خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران، حدود نیمی از صنایع استان فارس با مشکل روبرو هستند و در طول سال گذشته حدود ۱۱ هزار کارگر این کارخانجات از کار اخراج شده‌اند.

اخراج کارگران در اثر تعطیلی کارخانجات در حالی‌ست که اثری از ایجاد کارخانجات جدید نبوده و به ندرت شاهد تاسیس واحد تولیدی جدیدی هستیم. حتی بیشتر پروژه‌هایی که با سرمایه‌گذاری دولت آغاز شده بودند، به دلیل فقدان بودجه تعطیل شده‌اند. پاشایی فام معاون سابق بانک مرکزی با اشاره به همین موضوع می‌گوید: "در سال ۲۰۱۵ اقتصاد بدون هیچ انباشتی ضعیف‌تر شد و این به هیچ وجه علامت خوبی نیست". براساس گزارش بانک مرکزی نیز تشکیل سرمایه ثابت (اعم از ماشین‌آلات و ساختمان) در بخش خصوصی و دولتی از سال ۹۰ به این سو هر ساله با کاهش روبرو بوده است. حالا دیگر مقامات جمهوری اسلامی این جا و آن جا اعتراف به وجود ۱۰ میلیون بیکار می‌کنند. این در حالی‌ست که براساس آمارهای رسمی میزان بیکاری در ایران کمی بیش از دو میلیون است. اما واقعیت احتمالاً وجود بیش از ۱۰ میلیون بیکار است و این را می‌توان با یک حساب سرانگشتی از میزان جمعیت و جمعیت فعال دریافت. براین اساس بیش از ۱۰ میلیون نفر از افرادی که در سن کار قرار دارند، در هیچ‌کجای آمار قرار ندارند.

در این میان تنها امید جمهوری اسلامی برداشته شدن تحریم‌هاست. اما همان‌طور که بارها در نشریه کار تحلیل کردیم، راحل بحران عمیق رکود - تورمی در رفع تحریم‌ها نیست. این موضوعی‌ست که اکنون مقامات جمهوری اسلامی نیز با نزدیک شدن به زمان رفع تحریم‌ها به آن اعتراف می‌کنند. حتی سازمان‌های بین‌المللی وابسته به نظام سرمایه‌داری تأثیر رفع کامل تحریم‌ها را مقطعی دانسته و معتقدند تا تغییرات ساختاری در ایران صورت نگیرد، نمی‌توان چشم‌انداز بلندمدتی از رشد اقتصادی در ایران داشت. این موسسات از جمله بر ساختار قدرت سیاسی و بحران‌های سیاسی و اجتماعی ایران و نیز بحران منطقه‌ای تأکید دارند.

این که کابینه روحانی در طول دو سال و نیم نتوانسته است از عمق بحران بکاهد و برعکس بر عمق آن افزوده شده، نشانه‌ی چیزی نیست جز ناتوانی سیستم سرمایه‌داری ایران در حل بحران و باز اگر هر آینه بحران عمیق‌تر شده و ابعاد جدیدی یافته، موجب ناتوان‌تر شدن سیستم سرمایه‌داری حاکم بر ایران در حل بحران شده است. برای نمونه می‌توان به ورشکستگی مالی

دولت و بیکاری به عنوان دو نمونه مهم اشاره کرد و نشان داد که سیستم سرمایه‌داری حاکم بر ایران قادر به حل بحران نیست.

سال‌هاست که بدهی انباشته شده بخش دولتی و خصوصی به بانک‌ها در حال افزایش است. اما این، تنها بدهی دولت نیست. دولت صدها هزار میلیارد تومان به سازمان تامین اجتماعی و بیمه‌اتکاران بدهکار است و از نظر مالی قدرت اجرای طرح‌های عمرانی را که در اقتصاد ایران می‌تواند به عنوان یک محرک اقتصادی عمل کند، ندارد. در روزهای گذشته وزیر اقتصاد کابینه از بدهی ۵۴۰ هزار میلیارد تومانی دولت سخن گفت و نوبخت سخنگوی دولت سه ماه پیش اعتراف کرد که تنها نیمی از درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه تحقق یافته است. بدهی‌ست که دولت با کاهش درآمد اول از همه به سراغ کاهش بودجه عمرانی برود. وزیر بهداشت نیز با اعلام این‌که پولی در بساط نیست، از توقف طرح سلامت خبر داد. همچنین در روزهای اخیر اخبار متعددی در مورد ناتوانی دولت در پرداخت حقوق کارکنان دولت منتشر شده است.

نکته مهم این است که حتی در زمانی که تحریم‌ها آغاز نشده بود و جمهوری اسلامی نفت را تا بشکه‌ای ۱۴۰ دلار می‌فروخت، شاهد افزایش بدهی‌های دولت، افزایش نقدینگی و نیز افزایش بیکاری، رکود و نرخ تورم بودیم که نشان می‌دهد ریشه معضلات اقتصادی ایران در جای دیگری‌ست.

هم‌اکنون نیز با کاهش فاحش درآمدهای دولت، دولت به‌صورت واقعی ورشکسته بوده و اساساً قادر به بازپرداخت بدهی‌های خود نیست. در واقع دقیق‌تر است که بگوییم اگر درآمد دولت در اثر رفع تحریم‌ها بالا رود، باز این مقدار پاسخگوی هزینه‌های دستگاه عظیم بوروکراسی و نظامی آن نیست، چه رسد به بازپرداخت بدهی‌ها.

بیکاری نیز معضلی‌ست که ابعادی بی‌سابقه یافته است. رزاقی اقتصاددان نزدیک به حاکمیت از وجود ۱۵ میلیون بیکار سخن گفته است. بیکاری (ارتش ذخیره بیکاران) اگر چه در تمامی نظام‌های سرمایه‌داری وجود دارد و در واقع جزئی از این مناسبات است، اما بیکاری در ایران موضوعی فراتر از نیاز این مناسبات به ارتش ذخیره بیکاران است. در ایران هم اکنون بیکاری به یک معضل بزرگ اجتماعی تبدیل شده و با عمیق‌تر شدن بحران در طول این سال‌ها بر میزان آن نیز افزوده شده است. نه برداشتن تحریم‌ها و نه حتی سرمایه‌گذاری خارجی در محدوده صنایع نفت و گاز و پتروشیمی نمی‌تواند چاره این معضل باشد. تنها رشد بالای اقتصادی آن هم دو رقمی که نتیجه افزایش تولید باشد می‌تواند قدرت جذب این نیروی بیکار را - آن هم در یک بازه زمانی طولانی مثلاً ده ساله - فراهم آورد. و این چیزی است که جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری ایران هرگز قادر به تحقق آن نیستند.

هم اکنون نیز با توجه به وضعیت اقتصادی کشور، سرمایه‌داران سرمایه‌های خود را در بخش‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که یک سودآوری آن بالا باشد، یو زود بازده باشد و سه قابل انتقال از یک بخش (یا کالا) به بخش (یا کالای) دیگر باشد. خصوصیتی که

## خامنه‌ای، خلافت اسلامی و امپریالیسم آمریکا

خیالات خویش برای "دنیای اسلام" فرمان صادر می‌کرد، اما این را می‌دانست، دنیای اسلامی که باید به فرمان وی لیبیک بگوید، دنیای دیگری جز همین وضعیت و شرایطی که در عربستان و سومالی و عراق و ترکیه و پاکستان و سوریه و ایران و یمن و افغانستان و امثال آن جاریست، نیست، و کسی برای این تُرّهات تره خرد نمی‌کند و خلاصه این‌که فرمایشات رهبر مسلمانان جهان از چهار دیواری شیعیان ذوب در ولایت فراتر نمی‌رود، فوراً اضافه کرد که "امیدی به سیاستمداران دنیای اسلام نیست" و سرانجام دست به دامان "علمای دین و روشنفکران راستین" شد تا "در میان امت اسامی" روشنگری کنند!

خامنه‌ای را نمی‌توان یک "رهبر" خوش اقبال جهان اسلام خواند چرا که وی زمانی برای خریدن آبروی نداشتنه اسلام به تلاش برخاسته است که جنایات فجیع و تکان‌دهنده فرقه‌های گوناگون اسلام‌گرایان، به ویژه دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، تبعیض و ستم و خشونت همزاد با آن را بیش از پیش در چشم جهانیان پدیدار ساخته است. اقدام وحشیانه‌ی گردن زدن غیر مسلمانان و اسرای جنگی، "غنیمت" گرفتن زنان و دختران و فروش و تجاوز به آنان در خلافت اسلامی داعشیان و دار و دسته‌های اسلام‌گرای مشابه آن، چنان نفرت و انزجاری را در میان مردم متمدن جهان برانگیخته است، که هزاران سخن و "آیه" پیرامون "روح واقعی اسلام" و "تمدن نوین اسلامی" ذره‌ای تغییر در آن ایجاد نمی‌کند. بشریت مترقی از ارتکاب چنین جنایاتی، به شدت احساس شرم و بی‌زاری می‌کند. شرمی که عرق آن، حتا بر پیشانی بسیاری از مردم مذهبی و "مسلمان" عادی نیز نشسته است.

اما خامنه‌ای که از "دمیدن روح واقعی اسلام" دم می‌زند تا به خیال خود، اسلام را از ظلم و تبعیض و خشونت مبرا جلوه دهد، آگاهانه از ورود به عمق ماجرا پرهیز می‌کند. او می‌داند که نمی‌تواند اقدامات داعش به تأسی از پیامبر و سران و صدر اسلام، از نوع اعدام در ملاءعام و گردن زدن غیرمسلمانان و اسرای جنگی، غارت اموال و به بردگی بردن زنان و فروش و تجاوز به آن‌ها راه، زیر سوال ببرد و در عمق وجود خود این را می‌فهمد که خلافت اسلامی داعش، الگو و نمونه‌ی تقریباً همان چیزی است که در زمان پیامبر مسلمین و خلفای اسلام جاری بوده است. به راستی مگر در حیات پیامبر اسلام و در جنگ با قبیله یهودی "بنی‌قریظه" و پس از تسلیم آن‌ها به دستور محمد و در حضور وی علی و زبیر گردن ۷۰۰ تا ۹۰۰ نفر را با شمشیر نزدند و آنان را به گودال‌هایی که از قبل آماده شده بود نیفتاندند؟ مگر پس از قتل‌عام مردان قبیله، زنان و کودکانشان را که به اسارت مسلمانان درآمده بودند، در بازار بردگان نفروختند؟<sup>(۱)</sup> مگر در خلافت ابوبکر، لشکریان اسلام در "الیس" هزاران تن از اسیران را گردن نزدند و زنان و دختران را به بردگی بردند؟<sup>(۲)</sup> مگر سپاه اسلام به فرماندهی "سعید بن وقاص" پس از فتح مدائن به اذن عمر خلیفه مسلمین، مردمی که شهر را ترک کرده بودند و برخی

شمار آنان را بالغ بر صد هزار نفر ذکر کرده‌اند، در "جولاء" قتل‌عام نکردند و ۶۰ هزار تن از زنان و دختران به "غنیمت" گرفته شده را به دارالخلافه فرستادند؟<sup>(۳)</sup> مگر در زمان خلافت عثمان و به فرمان وی، گرگان و طبرستان و سیستان به خون کشیده نشد و مگر پس از تسلیم مردم شهر "تمیشه" تمام مردم شهر، به جز یک نفر را از دم تیغ نگذراندند؟<sup>(۴)</sup> مگر مسلمانان پس از فتح شوشتر و غارت اموال مردم شهر، تمام کسانی را که اسلام نیاوردند، گردن نزدند؟ مگر در همین جمهوری اسلامی، مردم سندج و قارنا و ترکمن صحرا و قه لاتان کشتار نشدند؟ مگر زنان سنگسار نشده‌اند؟ مگر زنان زندانی مورد شکنجه و تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند؟ مگر به دختران باکره، پیش از اعدام تجاوز نکرده‌اند؟ مگر خمینی بنیان‌گذار و رهبر حکومت اسلامی در همان سال‌های نخست به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، به منظور تاکید بر ضرورت اعمال خشونت و کشتار "ملحدین و منافقین"، به گردن زدن ۷۰۰ تن از قبیله "بنی‌قریظه" با دست و شمشیر علی و به "امر رسول الله" استناد نکرد و به تأسی از پیامبر اسلام هزاران نفر را به کام مرگ فرستاد؟ و مگر هم او فتوای قتل هزاران زندانی سیاسی را در ۶ مرداد ۶۷ صادر نکرد؟ مگر جز این است که ریختن خون مشرکان و کافران در اسلام "حلال" است و مگر در قرآن سوره "التوبه" به صراحت قید نشده است که "مشرکان را در هر کجا بیابید بکشید و آن‌ها را بگیرید و محاصرشان کنید و از همه سو بر آن‌ها کمین بگیرید اما اگر توبه کردند و نماز گزارند و زکات دادند، راه را بر آنان باز بگذارید که خدا آمرزگار و رحیم است"<sup>(۵)</sup>

تاریخ اسلام در ایران و در تمام کشورهای مسلمان شده به ضرب شمشیر، مشحون از کشتار و خون‌ریزی توسط پیشوایان و حاکمان مسلمان اعم از شیعه، سنی یا دیگر فرقه‌ها و شاخه‌های آن است. ملاعمرها، ابوبکر الیغدادی‌ها، محمد الجولانی‌ها (رهبر النصره) ملک استحقاق‌ها (رهبر سلفی‌های پاکستان) احمد گورانی‌ها (رهبر الشباب)، خمینی‌ها، خلخالی‌ها، خامنه‌ای‌ها، رفسنجانی و مصباح یزدی‌ها و امثال این‌ها، همه مسلمان و پیرو سنت‌های پیامبر و احکام اسلام‌اند. کشتارها و قتل‌های فجیع و اقدامات جنایتکارانه داعش و خلافت اسلامی آن، مبتنی بر همین سنت‌ها و احکام است! چنان‌که کشتار هزاران نفر از مبارزان، انقلابیون و کمونیست‌های ایران در جمهوری اسلامی نیز که رهبر کنونی آن "دنیای اسلام" را مورد خطاب قرار می‌دهد و در رؤیای خلافت اسلامی‌ست، تداوم همین روش‌ها، احکام و سنت‌هاست.

اسلام - و محمد پیامبر آن - فقط در کشتارهای جمعی و قتل‌های گروهی یهودیان، مسیحیان، کافران، منافقان، بت‌پرستان و مشرکان نیست که پرونده‌اش قطور و دستش پر است، بلکه در توطئه‌ها، قتل‌ها و ترورهای فردی و پنهانی مخالفین و منتقدین خود نیز ید طولانی دارد. یک نمونه، قتل پنهانی "ابو عفک" است. "ابو عفک" که از ترور پنهانی و توطئه‌آمیز شخصی به نام

"حارث بن صامت" متاثر شده بود، شعری در مذمت محمد می‌سراید و محمد یکی از افراد قبیله وی را مامور می‌کند تا پنهانی و به صورت توطئه‌آمیزی او را به قتل برساند.<sup>(۶)</sup> "عصماء" که زنی شاعر و زبان‌آور بود، پس از جنگ بدر و قتل‌عام عده‌ای از یهودیان به فرمان محمد، و همچنین کشتن "ابو عفک" زبان به انتقاد از اسلام می‌گشاید و اشعاری نیز در همین مورد می‌سراید که محمد یکی از "مومنان" را بنام "عمیر بن عدی" مامور کشتن وی می‌کند. عمیر شبانه به خانه آن زن می‌رود و او را به قتل می‌رساند.<sup>(۷)</sup> مورد دیگر شخصی بنام "رفاعه ابن قیس" از طایفه بنی‌هاشم که طایفه دیگری بنام "قیس" را به مخالفت با محمد تحریک می‌کرده که محمد شخصی بنام "عبدالله بن ابی حرد" را مامور می‌کند که "رفاعه" را بکشد و سر او را بیاورد که "عبدالله" این دستور را تمام و کمال اجرا می‌کند.<sup>(۸)</sup> "حویرت بن نفیذ" نیز از شعرای معروف وقت بود که محمد افتخار کشتن او را به علی سپرد و او این شاعر جسور را با حیل و توطئه به قتل رساند.<sup>(۹)</sup> نمونه دیگر شاعری بنام "کعب ابن اشرف" است. وی که اشعاری در اعتراض و علیه خشونت مسلمانان سروده بود، خشم محمد را برانگیخت. محمد کسانی را فرستاد که با توطئه او را کشتند و سر او را برای محمد بردند.<sup>(۱۰)</sup>

از این نمونه قتل‌ها و ترورها در دوران ده ساله حاکمیت محمد در مدینه فراوان است. این تنها صفحه‌ای از کتاب پر ورق حکومت پیامبر مسلمین است! و مگر جز این است که هر حاکم مسلمانی که بدین شیوه رفتار نماید او در واقع به سنت پیامبر عمل کرده است؟ هر جا که باشد! خواه در ایران، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، یا عربستان و سومالی و الجزایر و یا در منطقه تحت خلافت داعش!

بیهوده نیست که شاعر خلق، کمونیست رزمنده سعید سلطان‌پور را روز روشن از مراسم عروسی‌اش می‌ربایند و در زندان به قتل می‌رسانند! بیهوده نیست که رهبران شوراهای خلق ترکمن را می‌دزدند و آن‌ها را سر به نیست می‌کنند! بیهوده نیست که عبدالرحمن قاسملو دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران را دروین پایتخت اطیش پای میز مذاکره به گلوله می‌بندند! و اگر که در قتل‌های موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای پوپنده و مختاری را می‌ربایند و اجسادشان را در بیابان رها می‌سازند، این‌ها و ده‌ها نمونه قتل مخالفین در داخل و خارج کشور همه به معنی آن است که قتل سیاسی، توطئه و ترور مخالفین و منتقدین، امری اسلامی و سنت محمدی‌ست. گفتن ندارد که خامنه‌ای حاکم وقت ایران به تمام این‌ها آگاه است و می‌داند که حتا چنان‌چه بخواهد، نمی‌تواند جز این، چهره دیگری از اسلام ترسیم کند.

لازم به ذکر است که خامنه‌ای در سخنانی که مورد خطابش "دنیای اسلام" بود و در حضور برخی سفیر کشورهای اسلامی بیان می‌شد و بدین لحاظ، لاف‌ها و خاطر حفظ ظاهر، می‌بایستی جایی هم برای آن می‌گذاشت که مسلمانان و کشورهای اسلامی، فارغ از اینکه اهل چه فرقه‌ای هستند، سنی هستند یا شیعه، با درک و فهم و اعتقاد خود به "تلاش برای دمیدن روح واقعی اسلام" برخیزند و به "اهداف بزرگ" و

## خامنه‌ای، خلافت اسلامی و امپریالیسم آمریکا

"تمدن نوین اسلام" - که بی‌اختیار تمدن بزرگ شاهنشاهی و آریامهری را در ذهن تداعی می‌کند - جامه عمل ببوشانند! اما سخنان خامنه‌ای حتا از یک تعارف خشک و خالی هم در این مورد بری بود، چرا که اسلام شیعی و جمهوری اسلامی با کسی تعارف ندارد - چنان‌که اسلام سنی عربستان سعودی وامثال آن نیز چنین است - خامنه‌ای از همه مسلمانان جهان خواست که جمهوری اسلامی را الگوی خویش قرار دهند. خامنه‌ای جمهوری اسلامی را یک نمونه از امکان رسیدن به "اهداف بزرگ" خواند. نمونه‌ای که به تمام "دنیای اسلام" "قابل تعمیم" است!

علی خامنه‌ای در حالی که جمهوری اسلامی یا به عبارتی اسلام شیعی را نمونه قابل تعمیم برای همه دنیای اسلام می‌داند و از مسلمانان جهان می‌خواهد، جمهوری اسلامی را الگوی خویش قرار دهند می‌گوید "امریکایی‌ها با اصل اسلام مخالف هستند" و برای جلوگیری از "برپایی تمدن نوین اسلامی" و ایجاد تفرقه در میان مسلمانان، موضوع شیعه و سنی را مطرح ساخته‌اند. خامنه‌ای همچنین مدعی شد که "دشمن آمریکا، اسلام‌گرایی است" و "آن‌ها با هر مسلمانی که بخواد بر اساس احکام و قوانین اسلام زندگی و برای آن مجاهدت کند، مخالف هستند".

اینکه امریکایی‌ها با اصل اسلام مخالف هستند، به کلی حرف بی‌ربطی است که واقعیت ندارد. اظهار لحنه ای بیش نیست و کسی هم آن را نه جدی می‌گیرد و نه باور می‌کند. این راه، رابطه حسنه چندین و چند ساله آمریکا با عربستان سعودی، پاکستان، افغانستان و کشورهای اسلامی دیگری نظیر این‌ها نشان داده است. سرمایه، خصوصا از نوع امپریالیستی آن، اساسا با دین اسلام یا هرگونه دین و مذهب دیگری ماهیتا نمی‌تواند خصومتی داشته باشد و ندارد. برعکس، دین و مذهب که مالکیت خصوصی را مقدس می‌داند، همواره به یاری و خدمت سرمایه‌داری صاحبان سرمایه شتافته است و امپریالیسم از دین به مثابه ابزار انقیاد و در ناگاهی نگاه‌داشتن توده‌های مردم سود جسته است. اما اینکه گفته می‌شود "امریکایی‌ها" با هر مسلمانی که بخواد بر اساس احکام و قوانین اسلام زندگی و برای آن مجاهدت کند، مخالف هستند، این هم مغلطه است و دست کم حرف دقیقی نیست. دولت امپریالیستی آمریکا (و نه امریکایی‌ها!) همواره دنبال منافع اقتصادی و سیاسی خویش است، هر جا و به هر طریقی که ممکن گردد! اگر منافع امپریالیسم آمریکا ایجاب کند، نه فقط با تمام وجود از دولت‌های ارتجاعی و اسلامی با تمام قوانین، احکام و مقررات جاری در آن نظیر عربستان سعودی حمایت می‌کند، که حتا گروه‌های اسلام‌گرایی امثال القاعده را نیز در دامان خود پرورش می‌دهد و از آن پشتیبانی می‌کند. و باز اگر این منافع ایجاب کند با گروه‌های اسلام‌گرا و دست پروردگان خویش از قماش القاعده و داعش نیز درمی‌افتد! در مورد خود جمهوری اسلامی نیز وضعیت بر همین منوال است. امپریالیسم

آمریکا هیچ‌گاه مخالفی با رژیم حاکم بر ایران به خاطر اسلامی بودن آن نداشته است. کدام رژیم بهتر از جمهوری اسلامی می‌توانست کمونیست‌ها، انقلابیون و طبقه کارگر ایران را سرکوب و قلع و قمع کند؟ به همین دلیل امپریالیسم آمریکا بهرغم آن‌که اختلافاتی با جمهوری اسلامی داشته است، اما هیچ‌گاه درصدد براندازی آن نبوده است. اساس مسئله نه دین و اسلام، بلکه منافع اقتصادی و سیاسی است و اگر دولت آمریکا با جمهوری اسلامی اختلافاتی دارد، بر سر همین مساله است. کافیست رژیم اندکی سرکبسه را شل کند - که بخشاً کرده است و بیشتر از این هم شل خواهد کرد - امپریالیسم آمریکا هیچ مشکلی با جمهوری اسلامی، احکام اسلامی و قوانین و مقررات جاری آن ندارد.

اما در موضوع شیعه و سنی و دامن زدن به اختلافات میان این دو نیز همگان می‌دانند که پیش از روی کار آمدن دولت دینی و شیعی‌گرای اسلامی در ایران، هیچ اثری از جنگ‌های فرقه‌ای شیعه و سنی در این منطقه نبود. این جمهوری اسلامی بود که در صدد صدور "انقلاب اسلامی" بر آمد و با سیاست‌های مداخله‌جویانه و پان اسلامیتی خود در کشورهای منطقه و ایجاد و تقویت گروه‌های اسلام‌گرای شیعی، بر این اختلافات دامن زده است.

بدیهیست که قدرت‌های امپریالیستی از جمله و به ویژه امپریالیسم تجاوزگر آمریکا هر جا منفعشان اقتضای کند، از سیاست اختلاف بیانداز و حکومت کن استفاده نموده و خواهند نمود. چنان‌که یورش نظامی قدرت‌های امپریالیستی به سر کردگی امپریالیسم آمریکا به عراق، سرکوب خونین مردم و بعدا روی کار آوردن یک دولت شیعی دست نشانده آمریکا و طرفدار جمهوری اسلامی که سرکوب و محروم‌سازی سنی‌ها از مداخله در امور کشور، دستورکار نخست آن بود، دولت‌های آمریکا و جمهوری اسلامی هر یک به نحوی بر اختلافات سنی و شیعه در این کشور دامن زدند. چه کسیست که نداند داعش از درون سرکوب سنی‌ها توسط دولت شیعی مالکی و دولت‌های ارتجاعی و امپریالیستی حامی آن، ایران و آمریکا سر بر آورد؟ و مگر جمهوری اسلامی در همین لحظات سرگرم دامن زدن به جنگ‌های مذهبی و فرقه‌ای در یمن و عراق و سوریه و هر جا که دستش برسد نیست؟ و مگر دو رقیب اصلی منطقه یعنی دولت‌های عربستان سعودی و جمهوری اسلامی، یکی با اعدام روحانی شیعه طرفدار ولایت فقیه و جمهوری اسلامی و دیگری با به آتش کشیدن سفارت و کنسولگری رقیب، بر اختلاف‌ها و تنش‌های موجود میان شیعه و سنی دامن نمی‌زنند؟

باز گردیم به نطق خامنه‌ای در سالگرد حادثه روز ۹ دی ۸۹ که طرفداران ولایت آن را "یوم الله" خوانده‌اند. ۹ دی روزی است که بساط خیابانی انتلاف دار و دسته "سبزها" و اصلاح‌طلبان و رفسنجانی که بخش‌هایی از مردم

نیز در آن حضور داشتند، توسط سپاه و قشونی از لباس شخصی‌های مسلح و چاقوکشان ساندیس‌خور، از کف خیابان برچیده شد. بنابراین نطق خامنه‌ای به مناسبت این روز، می‌بایستی رضایت این گروه‌ها را نیز تامین می‌کرد و شعارهای فراموش شده حکومتی را چه در ضدیت با "استکبار" و چه در زمینه ارائه چهره قابل تحمیلی از اسلام برای جهانی کردن و تعمیم دادن نمونه جمهوری اسلامی به تمام دنیای اسلام و بالاخره در باب رهبریت دنیای اسلام و رؤیای خلافت اسلامی را زنده می‌ساخت یا دستکم گوش ذوب‌شدگان در ولایت را بدان نوازش می‌داد!

خامنه‌ای اما چنان‌که اشاره شد، زمانی طرح دعای بزرگ به سرش زده است که چرخ زمانه چندان به سود جناح وی نمی‌چرخد! از یک سو، دستی که به علامت تسلیم بالا رفت، به سوی التماس و استعانت از "استکبار" و "شیطان بزرگ" دراز است و نرمش قهرمانانه‌ی ناجی دنیای اسلام، جایی برای حتا لفاظی برجای نگذاشته است. از سوی دیگر افشاء ماهیت بانداها و فرقه‌های اسلام‌گرای گوناگون به ویژه داعش و خلافت اسلامی آن و جنایات تکان‌دهنده‌اش به تأسی از رسول الله، سیمای کثیف و ننگین هر چه اسلام و خلافت اسلامی‌ست را در انظار جهانیان برملا ساخته و قلب چهره اسلام کاری‌ست عبث و بی‌فایده.

### زیرنویس‌ها

- ۱ - تاریخ طبری ص ۱۰۹۳-۱۰۸۰
- ۲ - خالد فرمانده لشکر اسلام در جنگ با مردم "الیس" نذر کرده بود اگر بر آن‌ها پیروز شود آن‌قدر آن‌ها را بکشد که خون‌شان در رود جاری شود. پس از پیروزی و اسیر کردن مغلوبین، چند گروه را تعیین کرد که به مدت یک روز و یک شب گردن اسیران را زدند و خون در جوی‌ها جاری شد. بر رود آسیابا بود و سه روز پیاپی با آب خون آلود قوت سپاه را که هیجده هزار کس یا بیشتر بودند، آرد کردند. خالد در این جنگ هفتاد هزار تن را بکشت (تاریخ طبری، ص ۹۵ - ۱۴۹۰)
- ۳ - دو قرن سکوت، عبدالحسین زرین‌کوب ص ۵۳ - ۵۰
- ۴ - حمله اعراب به کرگان به فرماندهی "سعید بن عاص" که عبدالله (پسر عمر)، عبدالله (پسر عباس)، عبدالله (پسر زبیر)، حسن و حسین پسران علی، در راس لشگریان بودند، با مقاومت شدید مردم روبرو گردید. پس از مدت‌ها مقاومت، مردم کرگان امان خواستند و "سعید بن وقاص" امان داد و سوگند خورد، یک تن از مردم را نخواهد کشت! مردم کرگان تسلیم شدند و "سعید بن وقاص" همه مردم شهر را به قتل رساند به جز یک نفر و در توجیه پیمان‌شکنی خود گفت، من قسم خورده بودم یک تن از مردم را نکشم! (تاریخ طبری، ص ۱۷-۲۱۱۶)
- ۵ - "فائق‌الوالمشركین حیث و جد تموم و خذوم و احصروهم و اقد و لهم کل مرصد، فان تابوا و قاموا الصواة و اوتوا الذکوة مخلوا سبیلهم، ان الله غفور رحیم"
- ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ - باقر مومنی، نخستین ترورهای فردی سیاسی و کشتارهای جمعی در جامعه مدنی اسلامی.

## جنبش کردهای ترکیه برای برقراری خودمختاری

۲۰۰ تن رسیده است.

اقدامات سرکوبگرانه رژیم ترکیه علیه حزب دمکراتیک خلق‌ها که از مطالبات مردم کرد دفاع می‌کند، نیز تشدید شده است. هم‌اکنون تعدادی از اعضای این حزب، در زندان به سر می‌برند. پرونده‌سازی برای بازداشت رهبر این حزب، پس از دفاع وی از خودمختاری کردهای ترکیه، تشدید شده است.

چند روز پیش صلاح‌الدین دمیرتاش در یک سخنرانی گفت که کردها به‌عنوان بزرگترین اقلیت قومی ترکیه باید در مورد کسب خودمختاری و یا زندگی تحت خودکامگی یک فرد تصمیم بگیرند. این موضع‌گیری با واکنش شدید اردوغان روبه‌رو گردید که وی را خائن خطاب کرد. او در یک برنامه تلویزیونی اظهارات دمیرتاش را تحریک‌آمیز خواند و تهدید کرد که مردم و قانون اساسی ترکیه درس خوبی به حزب دمکراتیک خلق‌ها خواهند داد. در پی آن، دادستانی ترکیه پرونده‌ای به اتهام اقدام علیه قانون اساسی تشکیل داده است.

موج جدید درگیری‌ها از هنگامی آغاز گردید و به دو سال آتش‌بس میان دولت ترکیه و پ.ک.ک. پایان بخشید، که در جریان گرد هم‌آیی جوانان سوسیالیست برای کمک به کوبانی در سوروش، در نتیجه انفجار یک بمب، ۳۳ تن جان باختند. دولت ترکیه ادعا کرد که این بمب‌گذاری توسط داعش صورت گرفته است. اما اقدامات نظامی و سرکوبگرانه دولت ترکیه پس‌از این کشتار، نشان داد که این بمب‌گذاری آغازی بر اجرای یک برنامه‌ریزی حساب‌شده، پس از شکست حزب عدالت و توسعه اردوغان در انتخابات ژوئیه بود که مستقیم و غیرمستقیم در آن نقش داشته است. لذا این ادعای دولت ترکیه که کشتن دو مأمور امنیتی ترکیه توسط پ.ک.ک. در پی این بمب‌گذاری، به آتش‌بس خاتمه داد، بی‌پایه و اساس بود.

پس از کشتار سوروش، دولت ترکیه اقدامات نظامی علیه پ.ک.ک. را تشدید کرد و پایگاه‌های نظامی این حزب را در شمال عراق بمباران کرد. اما اقدامات دولت ترکیه، تنها به عملیات نظامی علیه پ.ک.ک. محدود نشد، موج دست‌گیری جریانات چپ و کمونیست، فعالین کرد طرفدار پ.ک.ک. روزنامه‌نگاران و تعطیلی روزنامه‌های مخالف، تشدید شد. تظاهرات صلح مخالفان اردوغان در ماه اکتبر در آنکارا نیز، با بمب‌گذاری پاسخ گرفت که در جریان آن حدود صد تن از مردم به قتل رسیدند. اردوغان در جریان تمام این اقدامات در تلاش بود با دامن زدن به جو ناامنی، ایجاد هراس در میان بخش‌هایی از مردم ترکیه و ترس از وخامت اوضاع اقتصادی، به نفع خود در جریان انتخابات مجدد؛ بهره‌برداری کند و شکستش را جبران نماید. از این بابت موفق شد و توانست با انتخابات اول نوامبر، اکثریت لازم را برای تشکیل کابینه و نیز اقدام بعدی که هنوز به انجام نرسیده است، تغییر در قانون اساسی ترکیه و متمرکز کردن تمام قدرت در دست رئیس‌جمهور؛ کسب کند.

این پیروزی در انتخابات، به اردوغان امکان داد

که دامنه اقدامات سرکوبگرانه خود را علیه کردهای ترکیه تشدید کند. چراکه بورژوازی شوونیست ترک و در رأس آن اردوغان به‌شدت از تحولاتی که در منطقه خاورمیانه در جریان است و پیروزی‌هایی که کردهای سوریه به دست آورده‌اند، نگران‌اند. به‌ویژه پس از مقاومت کردهای سوریه در برابر داعش و بیرون راندن این گروه اسلام‌گرای ارتجاعی از کوبانی و تل ابیض که نیروهای پ.ک.ک. نقش مهمی در آن ایفا نمودند، رژیم ترکیه شدیداً احساس خطر می‌کند.

پیروزی کردهای سوریه، تأثیر مستقیمی بر توده‌های کرد ترکیه برجای گذاشت و به اعتلای مبارزات آن‌ها انجامید. آن‌ها نیز خواهان خودمختاری و برقراری نوع سیستم خود مدیریتی کردهای سوریه شدند. این مطالبه مردم کرد، برای رژیمی که هیچ حقوقی برای مردم کرد قائل نیست، تحمل‌ناپذیر بود. لذا به روال گذشته پاسخ آن‌ها را با سرکوب و کشتار داد.

رژیم ترکیه از آن بیم دارد که با بحرانی‌تر شدن اوضاع منطقه خاورمیانه، مداخله و رقابت قدرت‌های جهانی و اعتلای مبارزات کردهای ترکیه به درجه یک جنگ داخلی، در جریان نزاع قدرت‌های جهانی بر سر تقسیم مجدد بازارهای خاورمیانه، اوضاع به نحوی پیش رود که قدرت‌های بزرگ جهان بر سر ایجاد یک کشور جدید، متشکل از کردهای چهار کشور ترکیه، عراق، ایران و سوریه، به توافق برسند. گرچه این امکان در شرایط کنونی نامحتمل است، اما پوشیده نیست که هم‌اکنون مناسبات نزدیکی میان کردهای عراق و سوریه با دولت آمریکا وجود دارد. روسیه در جریان دیدار اخیر دمیرتاش با پوتین، تمایل به جانب‌داری از کردها را نشان داده است. اتحادیه اروپا نیز از گذشته، مناسبات نزدیکی با کردها داشته است. لذا چنانچه بحران منطقه خاورمیانه به درجه‌ای وسعت بگیرد که ترکیه را نیز به گرداب جنگ‌های داخلی بکشد، این امکان می‌تواند به واقعیت تبدیل گردد.

بنابراین، رژیم ترکیه با اقدامات سرکوبگرانه خود علیه کردها از هم‌اکنون در تلاش است، تا اجازه ندهد، این جنبش به مرحله‌ای اعتلا یابد که کنترل آن از دست برود و اوضاع ترکیه به چنان مرحله‌ای از بحران برسد که قدرت‌های جهانی مداخله کنند و راحلی برای آن ارائه دهند. دولت ترکیه که عضو پیمان ناتو و متحد آمریکا و اتحادیه اروپاست، عجالتاً می‌داند که در این سرکوبگری از حمایت رسمی و یا لافل سکوت این قدرت‌ها برخوردار است و اوضاع خاورمیانه نیز هنوز به آن درجه از بحران نرسیده است که قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای به توافقاتی برای تغییر در جغرافیای سیاسی خاورمیانه دست یابند.

همانگونه که اشاره شد، تشکیل یک کشور از کردهای منطقه خاورمیانه لافل در شرایط کنونی ممکن نیست. چراکه اولاً قدرت‌های بزرگ جهانی از دولت‌های مستقر و تمامیت ارضی کشورهای خاورمیانه حمایت می‌کنند و متحد

آن‌ها هستند، لذا نمی‌خواهند و دقیق‌تر نمی‌توانند از تجزیه این کشورها دفاع کنند. ثانیاً، دولت‌های خاورمیانه یک پای مسئله هستند که به سادگی از قدرت‌های بزرگ تبعیت نمی‌کنند. به عبارت دیگر، شرایط کنونی، بسیار متفاوت از اوضاع جنگ جهانی اول و شکست امپراتوری عثمانی است. دولت‌هایی که کردها بخشی از جمعیت کشور آن‌ها را تشکیل می‌دهد، نظیر ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، رژیم‌ها عراق و سوریه، گرچه همواره در نتیجه‌ی رقابت‌های خود از این یا آن بخش کردهای ساکن یکی از این کشورها حمایت کرده و می‌کنند، اما وقتی پای تشکیل یک کشور مستقل کرد در میان باشد، همه این دولت‌ها، علیه کردها متحدند. علاوه بر این، دولت‌های عربی منطقه نیز یک پای نزاع‌اند و با هر تجزیه عراق و سوریه که آن‌ها را بخشی از سرزمین‌های عربی می‌دانند، به مخالفت برمی‌خیزند. بنابراین لافل در اوضاع کنونی، امکان تشکیل یک کشور مستقل کرد وجود ندارد. اما با تمام این اوصاف، رژیم ترکیه از سرکوب و کشتار کردهای ساکن این کشور دست بردار نیست. شوونیسم ترک از همان آغاز تشکیل جمهوری ترکیه، هیچ حقوقی برای کردهای ساکن این کشور که حدود ۲۰ میلیون برآورد می‌شوند، قائل نبوده و مکرر جنبش‌های این مردم ستم‌دیده را سرکوب و ده‌ها هزار تن را کشتار کرده است. باین‌همه، مبارزات این مردم همواره به اشکال مختلف ادامه داشته است. مبارزاتی که از سه دهه پیش تحت رهبری حزب کارگران کردستان، پ.ک.ک. در جریان بوده است، بخشی از این مبارزات است. جنبش‌های اخیر مردم کردستان ترکیه و مبارزات حزب دمکراتیک خلق‌ها که ادامه همین مبارزات است، اکنون به مرحله‌ای رسیده است که مردم ساکن برخی شهرها، مستقل از خواست دولت ترکیه، خودمختاری را اعلام و برقرار کرده‌اند. به‌رغم این‌که رژیم سرکوبگر ترکیه برای درهم شکستن مقاومت مردم کرد و برچیدن خودمختاری به لشکرکشی نظامی متوسل شده است، اما اکنون دیگر اوضاع به‌گونه‌ای نیست که بتواند به‌سادگی مردم را مرعوب و رکود را بر جنبش اعتراضی کردها حاکم سازد.

شعار خودمختاری و تلاش برای برقراری آن در شهرهای منطقه کردستان، می‌تواند هم محرکی برای رشد و گسترش مبارزات توده‌ای کردها باشد، و هم مانعی است بر سر راه تلاش شوونیست‌های ترک، برای ایجاد دوقطبی کرد - ترک.

پوشیده نیست که طبقه حاکم شوونیست ترکیه تلاش خواهد کرد خودمختاری را تجزیه‌طلبی معرفی کند تا از طریق آن به جو ناسیونالیستی دامن بزند، اما حمایت و پشتیبانی کارگران و زحمتکشان ترکیه از مبارزات و مطالبات مردم کرد و محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه دولت ترکیه، نشان می‌دهد که این تلاش شوونیست‌های ترک، نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت.

یک وجه مهم تلاش مردم کرد برای برقراری خودمختاری، پیوند و اتحاد با جنبش طبقه کارگر ترکیه و توده‌های زحمتکش مخالف رژیم بورژوازی - مذهبی حاکم بر این کشور است. هرچه این پیوند و اتحاد مستحکم‌تر باشد، میزان موفقیت بیشتر خواهد بود. در عین حال، درجه

## تشدید نزاع های درونی هیئت حاکمه و تاثیر آن بر انتخابات اسفند ماه

### کمک های مالی

#### کانادا- ونکوور

۵۰دلار	لاکومه
۱۰دلار	نرگس
۲۰دلار	نقیسه ناصری
۱۰۰دلار	دمکراسی شورانی ۱
۱۰۰دلار	دمکراسی شورانی ۲

#### هند

کارگران و زحمتکشان ۲۰ یورو

#### سوئیس

۳۰ فرانک	علی اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسهچی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

#### دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نرمیسا

از صفحه ۶

### جنبش کردهای ترکیه برای برقراری خودمختاری

وسعت خودمختاری نیز وابسته به رشد و اعتلای مبارزات سرتاسری کارگران و زحمتکشان ترکیه خواهد بود. حمایت و پشتیبانی اخیر اتحادیه‌های کارگری ترکیه از مبارزات مردم شهرهای کردنشین و محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم ترکیه، تظاهرات توده‌ای مردم برخی شهرهای بزرگ در پشتیبانی از این مبارزات، نشانه تحکیم این اتحاد و همبستگی میان طبقه کارگر و جنبش سرتاسری ترکیه با مبارزات مردم کرد و شهرها و مناطقی است که در برابر یورش سرکوبگرانه رژیم ترکیه مقاومت و مبارزه می‌کنند.

این حق مسلم کردهای ترکیه است که خواهان برافتادن تمام تبعیضات، نابرابری‌ها و ستمگری‌های طبقه حاکم و دولت آن باشند. از یک خودمختاری وسیع منطقه‌ای برخوردار شوند، امور داخلی خود را خودشان، سازمان‌دهی و اداره کنند، به زبان خود تحصیل کنند و در محل کار، مجامع عمومی و ادارات دولتی از آن استفاده کنند. این را هم نباید فراموش کرد که پیروزی قطعی و نهایی جنبش توده‌های مردم کرد و رهائی از یوغ اسارت و ستم بورژوازی شونیست حاکم بر ترکیه، اتحاد با جنبش طبقه کارگر برای سرنگونی طبقه حاکم و برقراری نظامی سوسیالیستی، خواهد بود.

ماهیت روحانی و همه‌آنجایی که با نام "اصلاحات" عملا پایه‌های این نظام آدمکش را محکم تر کرده و به استمرار آن قوام بخشیده اند، کاملا روشن است. ذکر نمونه‌هایی از اینگونه سخنان روحانی و عقیده اش برای افشاگری آندسته از کسانی است که هنوز بر این توهمات دل بسته اند و با تبلیغات شبانه روزی به چشم توده‌ها خاک می‌پاشند تا با توهم "اصلاح نظام" یک بار دیگر توده‌ها را به پای صندوق‌های رای بکشانند.

مگر از یک سوراخ چندبار باید گزیده شد؟ پس نباید اجازه داد تا یکبار دیگر مجموعه "اصلاح طلبان" از کانال عبور از تضادها و کشمکش موجود در هیئت حاکمه ایران توهم حضور در پای صندوق‌های رای را در ذهنیت توده‌ها جا بیندازند. تردیدی نیست شکاف درون هیئت حاکمه و نزاع‌های درونی آن می‌تواند بستر مناسبی برای تشدید مبارزات کارگران و حضور اعتراضی مردم در خیابان‌ها جهت کسب مطالبات شان باشد. از این شکاف و نزاع‌های درونی باید در پیشبرد امر مبارزه با کلیت نظام جمهوری اسلامی سود برد، نه اینکه با خیالپردازی و توهم اصلاح نظام وارد بازی در بساط این جناح یا آن جناح رژیم شد.

افشای مداوم و پیگیر سیاست توهم پراکنی مبتنی بر اصلاح نظام که "اصلاح طلبان" و گرایش "اصلاح طلبی" مبلغ و مروج اصلی آن هستند و همواره با همین ترفند در جامعه و بخصوص در میان اقدار مرفه خورده بورژوازی موج انتخاباتی راه می‌اندازند، نخستین گام جهت بسیج همگانی کارگران و آحاد مردم ایران برای مقابله و مبارزه با کلیت نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران است.

مردم برای مبارزه با این رژیم جنایتکار و آدمکش در خیابان‌ها حضور می‌یابند، چگونه همه جناح‌های رنگارنگ هیئت حاکمه برای سرکوب و کشتار مردم هم رای و هم صدا می‌شوند. برای اثبات این امر هیچ نیازی نیست تا به واکاوی عملکرد جناح‌های مختلف رژیم به دوره‌های گذشته باز گردیم. عملکرد همین دولت به اصطلاح تدبیر و امید و کابینه امنیتی اش حی و حاضر پیش روی ماست. فقط کافی است به سخنان هفته پیش روحانی توجه کنیم که با چه عباراتی از واقعه ۹ دی ۸۸ یاد کرده است. روحانی در ۶ دی ماه ۹۴ طی سخنانی در حضور خامنه‌ای از ۹ دیماه ۸۸ به عنوان روز "دفاع ملت از خاندان رسالت، دفاع از نظام، قانون و دفاع از ولایت فقیه و ولی فقیه" یاد کرد. چهره واقعی روحانی را باید در همین کلمات و جملات دید، نه آن چهره‌ای که با نمای شعارهای انتخاباتی ظاهر می‌شود. اگر روز ۹ دی ۸۸ فقط روز برآیند سرکوب اعتراضات توده‌های مردمی بود، سخنان روحانی آنچنان تعجب برانگیز نبود. اما، فراموش نباید کرد که ۹ دی علاوه بر سرکوب توده‌های معترض، روز بسیج و سازماندهی سرکوبگران حکومتی جهت فراهم کردن مقدمات "حصص خانگی" موسوی و کروبی بود. روزی که طرفداران خامنه‌ای با شعار موسوی و کروبی اعدام باید گردند، به خیابان‌ها ریختند. روحانی که در شعارهای انتخاباتی خود قول آزادی و شکستن "حصص خانگی" موسوی و کروبی را داده بود اکنون پس از دو سال و نیم از روی کار آمدنش با وقاحت تمام با چنین تعابیری از ۹ دی یاد می‌کند.

البته برای نیروهای سیاسی مبارز و مردم آگاهی که در توهم شعارهای تبلیغاتی طیف‌های "اصلاح طلب" و "سبز" و "بنفش" نیستند،

از صفحه ۳

### برای کارگران این بحران تنها یک راه حل دارد

بیکاری در میان جوانان، تنها ۷۵ درصد از حداقل حقوق را دریافت کنند. همان سیاستی که پیش از این توسط اسلاف روحانی به اشکال دیگری اتخاذ شد، سیاست‌هایی همچون خارج کردن کارگاه‌های زیر ده نفر از قانون کار. بنابر این در حالی که مشکلات اساسی اقتصادی در جای خود باقی است و در حالی که هیچ کدام از سیاست‌های اقتصادی حتما مرهمی بر این اقتصاد بحران‌زده نمی‌گذارند، تنها نتیجه سیاست‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی برای کارگران و زحمتکشان فقر بیشتر، بیکاری بیشتر و زیر پا گذاشتن هر چه بیشتر حقوق آن‌هاست.

اگر دلیلی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و مناسبات سرمایه‌داری حاکم لازم است، همین یک دلیل کافی است. تنها سوسیالیسم نجاتبخش کارگران و زحمتکشان ایران است.

سرمایه‌گذاری در بخش صنعت فاقد آن است. کاهش تشکیل سرمایه ثابت در طول این سال‌ها که در گزارش بانک مرکزی نیز منعکس شده یکی از نتایج روشن همین موضوع است.

اما مهم‌ترین موضوع در سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی این است که نوک تیز این سیاست، زندگی و معیشت کارگران و زحمتکشان را نشانه رفته است و این را به خوبی در سیاست‌های جمهوری اسلامی از جمله در سه سال اخیر می‌توان دید. بودجه سال ۹۵ و برنامه ششم توسعه نیز از جمله این سیاست‌ها هستند. براساس برنامه ششم توسعه قرار است سن بازنشستگی برای کارگران بالا برود و بهانه هم آن است که سازمان تامین اجتماعی که بیش از صد هزار میلیارد تومان سرمایه‌اش توسط دولت بلوکه شده و دولت حاضر به پرداخت آن نیست، با بحران مالی روبروست. یا قرار است کارگران تا سن ۲۹ سالگی به بهانه‌ی بالا بودن نرخ

## سوانح کار یا قتل عمد کارگران؟

برای رفت و برگشت کارکنان خود وسیله نقلیه مناسب در اختیار آنان قرار دهد." کارفرمایان هزینه "وسيله نقلیه مناسب" را هزینه "نالازم" تلقی می‌کنند و از تهیه وسایل نقلیه مناسب سر باز می‌زنند. اما تصادفات جاده‌ای، تنها حوادثی نیستند که جان و سلامت کارگران را به خطر می‌اندازند.

طبق آمار سازمان جهانی کار، هر ۱۵ ثانیه، یک کارگر، بر اثر حوادث یا بیماری‌های ناشی از کار می‌میرد. هر ۱۵ ثانیه ۱۵۳ کارگر دچار حادثه کاری می‌شوند. در حالی که طبق تحقیقات ۹۸ درصد حوادث در صورت وجود لباس‌ها و ابزار مناسب کار، بازرسی‌های دقیق و آموزش‌های لازم قابل پیشگیری هستند.

این میانگین آمار جهانی‌ست، اما در کشورهایمانند ایران وضعیت وخیم‌تر است. کشورهایی که دولت بر همان حداقل قوانین مربوط به ایمنی در محیط کار نظارت دقیق و مناسبی ندارد. حوادث بخش ساختمان، همواره در رأس اخبار سوانح کاری قرار دارد. نگاهی به آمار این بخش، برای درک ابعاد فاجعه کافی‌ست. در حالی که آمار جهانی ۱۷ درصد است، آمار ایران به گفته مقامات رسمی در حدود ۵۰ درصد است. حوادثی که روزانه به مرگ و مصدومیت و معلولیت تعدادی از کارگران می‌انجامد.

به گزارش ۶ دی روابط عمومی اداره کل پزشکی قانونی استان تهران، ۲۴۳ کارگر تا پایان آبان ماه بر اثر حوادث کار جان خود را از دست داده‌اند. ۷۰ مورد مرگ و ۱۹۰۰ مورد مصدومیت در استان اصفهان تا اوایل دی ماه، ۵۰ مرگ در استان مازندران در شش ماهه اول سال، ۳۲ مورد مرگ در استان کرمانشاه تا آبان ماه و...

این تنها گوشه‌ای‌ست از آماری که از سوی یک نهاد رسمی اعلام شده است. آمار واقعی بسیار بالاتر است. موارد بسیار دیگری وجود دارند که به دلایل مختلف گزارش نمی‌شوند، شکایتی صورت نمی‌گیرد و پرونده‌ای گشوده نمی‌شود.

در نظام سرمایه‌داری، تنها انگیزه‌ای که سرمایه‌داران را به سرمایه‌گذاری وامی‌دارد کسب سود و افزایش آن به شیوه‌های مختلف است. یکی از این شیوه‌ها، حداکثر صرفه‌جویی در هزینه‌های مربوط به ایمنی و سلامت کارگران است. از نظر سرمایه‌داران هزینه‌های این بخش، هزینه سربار تلقی می‌شود. اگر در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری مبارزات کارگران و وجود تشکلهای کارگری مانع بزرگی بر سر راه سرمایه‌داران در عدم رعایت موارد ایمنی‌ست، اما در ایران، کارفرمایان فارغ از چنین قید و بندهایی با همدستی دولتی که به بازرسی ایمنی محیط‌های کار اهمیتی نداده و بر کمبودها چشم می‌بندند، ایمنی کارگران را به هیچ گرفته و این کارگران‌اند که تاوان سودجویی کارفرمایان و دولت حامی آنان را با جان و سلامت خود می‌پردازند. با وجود این، هر زمانی که سخن از علل بروز حوادث کاری است، بر

## نقش رژیم جمهوری اسلامی در افزایش قربانیان آنفولانزای خوکی

در حالی که موج بیماری آنفولانزا گسترش و آمار قربانیان آن در شهرهای مختلف ایران سیر صعودی یافته است، مسئولان جمهوری اسلامی از اطلاع رسانی دقیق سرباز زده و با اظهارات ضد و نقیض به ترس و اضطراب عمومی دامن می‌زنند. برای نمونه، از سوئی رئیس دانشکده ی علوم پزشکی نیشابور، آمار مبتلایان را تنها سه نفر و آمار مرگ و میر ناشی از این بیماری را تنها یک نفر اعلام کرده و تاکید می‌کند، مردم به شایعات شبکه‌های اجتماعی توجه نکنند، اما از سوی دیگر مدرسه‌ها ی این شهر به دلیل شیوع آنفولانزا تعطیل می‌شوند.

در همین رابطه، اوایل دی ماه، رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیری وزارت بهداشت که بر "تحت کنترل بودن وضعیت" تاکید می‌کند، از ابتلای هزار و ۱۹۰ نفر از ابتدای مهرماه تاکنون و مرگ ۱۱۲ بیمار خبر می‌دهد. این در حالی است که وزیر بهداشت در تاریخ ۱۵ آذر، آمار مرگ افراد به دلیل آنفولانزا را ۲۲ نفر اعلام کرده بود. اگر فرض را بر این بگذاریم که این دو آمار صحت دارند، پس ادعای تحت کنترل بودن این وضعیت، تنها یک دروغ است که مسئولان جمهوری اسلامی تحویل مردم می‌دهند. این وضعیت نه تنها راه را برای شایعه سازی در مورد علل بروز این بیماری از جمله، گودبرداری زیرگذرهای کرمان و نفوذ به قبرستان جزامیان، باز کرده، بلکه دامنه ی این شایعات به روش‌های خانگی درمان آن نیز کشیده شده است. یکی از دلایل گسترش چنین شایعاتی این است که عموم مردم که در خطر ابتلا به این بیماری قرار دارند، نه با توضیحات مسئولان قانع می‌شوند و نه به سیستم درمانی کشور اعتماد دارند.

آنفولانزای نوع H1N1 که در حال حاضر در ایران شیوع پیدا کرده، نوعی از آنفولانزای خوکی و زیرمجموعه ای است از آنفولانزای اسپانیایی که از زمان جنگ جهانی اول در ابعاد جهانی بروز کرده و تا کنون طی سه موج جهانی به مرگ میلیون‌ها انسان منجر شده است. به همین دلیل این بیماری از سوی کشورهایی با سیستم درمانی و بهداشتی پیشرفته و نیز ارگان‌ها و نهادهای بین‌المللی بهداشتی بسیار جدی گرفته شده و دستورالعمل‌های دقیقی برای پیشگیری، مبارزه و درمان آن وضع گردیده است. از نظر خطر سرایت، در سال ۲۰۰۶ از سوی اتحایه ی اروپا، ویروس این بیماری در گروه ریسک ۳ اعلام شده که از این نظر، قابل مقایسه با ویروس‌های هپاتیت E، هپاتیت C، ایدز و تب زرد می‌باشد. این درحالی است که وزیر بهداشت در آذر ماه اعلام می‌کند که این یک سرماخوردگی معمولی است که هر ساله با آغاز فصل سرما شایع شده و به مرگ و میر منجر می‌گردد.

همچنین در امر تجهیزات ایمنی و محافظت و پیشگیری با سهل انگاری و یا به عبارتی دقیق‌تر بی‌اعتنایی مسئولین جمهوری اسلامی به جان

"عامل انسانی" و "عدم وجود فرهنگ ایمنی" تکیه می‌شود. حتا زمانی که در کارگاه یا کارخانه‌ای حادثه کار به فاصله چند هفته یا چند ماه تکرار می‌شوند. در حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد موارد این کارگران‌اند که مسئول بروز حوادث شناخته شده و کارفرما از پاسخ‌گویی مصون می‌ماند.

پس اغراق نیست اگر اکثر حوادث کاری در ایران، قتل عمدی کارگران نامیده شود. گذشته از آن در ایران، هنوز آمار دقیقی در مورد مرگ و میرهای مرتبط با بیماری‌های جسمی و روانی ناشی از کار وجود ندارد. اگر به این موارد، آمار حوادث بخش غیررسمی اقتصاد را نیز بیفزاییم، ابعاد فاجعه چند برابر می‌گردد. آنچه وضعیت را باز هم وخیم‌تر می‌کند آن است که در بسیاری موارد، مرگ کارگر همراه با از دست رفتن نان‌آور خانواده همراه می‌شود. یعنی خانواده‌های کارگر در فقر باز هم بیش‌تری فرو می‌روند. در صورت معلولیت و نقص عضو اوضاع از این هم بدتر می‌شود، زیرا مخارج پزشکی و دارویی هم به هزینه خانواده‌ای افزوده می‌شود که دیگر نان‌آورش قادر به کار نیست. در حال حاضر، بیش از ۸۰ درصد قراردادهای کار کشور موقتی و خارج از ضوابط قانون کار است، یعنی صدها هزار کارگر فاقد بیمه در صورت بروز حوادث کار، از همین حمایت‌های ناچیز بیمه‌ای یا دولتی محروماند. گرچه با توجه به وضعیت بیمه و امکانات پزشکی دولتی در ایران، حتا کارگرانی هم که تحت پوشش بیمه قرار دارند، در صورت نقص عضو و معلولیت با چنان مشکلات پزشکی و مالی روبرو می‌شوند که در بسیاری از موارد خانواده‌هایشان را متلاشی می‌کند. گزارشات در این زمینه نیز به وفور در رسانه‌ها یافت می‌شود.

کارگران با وجود آگاهی به خطرات به علت نبود امنیت شغلی تحمل شرایط ناامن را بر بیکاری ترجیح می‌دهند. این همه با وجود سرکوب و ممنوعیت تشکلهای مستقل کارگری است. تشکلاتی که در صورت وجود می‌توانند از حق زندگی و سلامت کارگران دفاع کنند و کارفرمایان و دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را وادارند ایمنی در محیط کار را تأمین و رعایت کنند.

اگر بروز درصدی از حوادث کاری اجتناب‌ناپذیر است، اما دلیلی وجود ندارد که پس از بروز این حوادث کارگران و خانواده‌هایشان با فقر و فلاکت روبرو شوند.

از این‌رو، به جز برقراری کنترل کامل و سازمان یافته بهداشتی بر ایمنی کلیه کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، لازم است یک سیستم تأمین اجتماعی فراگیر برقرار شود، بیمه بیکاری، سوانح، نقص عضو، جراحی، کهولت، فرسودگی، امراض ناشی از حرفه و ازکارافتادگی وضع شود و در صورت بیکاری یا ازکارافتادگی حقوق مکفی به کارگران و خانواده‌هایشان پرداخت شود. علاوه بر آن کارگران به خدمات درمانی و بهداشتی رایگان دسترسی داشته باشند.

امری که با وجود نظام سرمایه‌داری و دولت جمهوری اسلامی تصورناپذیر است. تأمین و دسترسی توده‌های کارگر و زحمتکش به چنین امکانات رفاهی تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت شورایی میسر است.



**یادداشت‌های سیاسی**

**نقش رژیم جمهوری اسلامی در افزایش قربانیان آنفولانزای خوکی**

انسان‌ها مواجه هستیم. در حالی که وزیر بهداشت اعلام می‌کند که برای آنفولانزا نیاز به ماسک نیست و یک پرستار معترض به نبودن تجهیزات ایمنی، اخراج می‌شود، سید محمد رضایی ثانی، پرستار بیمارستان ۲۲ بهمن نیشابور، جان خود را در اثر تماس با بیماران آنفولانزایی در حین کار از دست می‌دهد.

از این نظر نیز ویروس H1N1 طبق استانداردهای بین‌المللی در سطح ایمنی ۳ قرار دارد که به این معناست که تنها کادر درمانی متخصص که دوره‌های مخصوص دیده اند، اجازه‌ی ورود به بخش‌های ویژه‌ی این بیماران و درمان و مراقبت از آنان را دارند، بخش‌ها و اتاق‌ها باید از تجهیزات مخصوص برخوردار بوده و برای کارکنان آزمایشگاه‌ها نیز در این رابطه دستورالعمل‌های ایمنی دقیقی تعیین شده است.

این اقدام‌ها به ویژه از این جهت دارای اهمیت هستند که امکان پیشگیری از ابتلا به این ویروس از طریق واکنش‌ها در حال حاضر وجود ندارد. این تجربه‌ای است که موج جهانی آنفولانزای خوکی در سال ۲۰۰۹ اثبات کرد. دلیل این امر این است که ویروس این بیماری قادر به تغییرات یا موتاسیون ژنتیکی است و همواره با ترکیبی جدید بروز می‌کند. از آنجایی که ویروس این بیماری از طریق تنفسی، تماس جسمی و نیز تماس با اشیایی که فرد بیمار لمس کرده، منتقل می‌گردد، مهمترین اقدام‌های پیشگیری، رعایت نظافت و بهداشت و نیز استفاده از ماسک می‌باشند. همچنین، درمان این بیماری تنها در مراحل اولیه‌ی آن با داروهای خاصی امکان‌پذیر است. در غیر این صورت، تنها درمان عمومی استراحت، عدم انجام کارهای جسمی سخت، تغذیه‌ی کافی با غذاهای پر کالری و نوشیدن فراوان برای تقویت سیستم ایمنی بدن می‌باشد.

با توجه به شرایط شیوع این بیماری می‌توان گفت که در کشوری مانند ایران با نظام سرمایه داری که ثروت‌ها ی جامعه در دست گروهی کوچک انباشته شده و امکانات درمانی در شهرهای بزرگ تمرکز یافته است، اکثریت جامعه به ویژه در مناطق محروم کشور، که امکان مراجعه‌ی سریع به پزشک و درمانگاه ندارند، و نیز اقشار زحمتکش و فقیر جامعه که از امکانات درمانی کافی، تغذیه‌ی مناسب و امکان استراحت جسمی برخوردار نیستند، بیشترین قربانیان این بیماری را تشکیل می‌دهند.

همچنین عدم اطلاع رسانی صحیح و کافی مسئولان جمهوری اسلامی که ابراز هر گونه نارسایی را دلیل دیگری برای افزایش نارضایتی و تهدیدی در جهت از دست دادن کنترل جامعه می‌دانند، علت دیگری است که سد راه آگاهی عمومی از تخمین صحیح وضعیت شیوع، شرایط ابتلا به این بیماری خطرناک و راه‌های پیشگیری و درمان آن شده است.

**خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان**

مادر بهکیش صبح روز یکشنبه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۴ در منزل مسکونی‌اش در تهران از میان ما رفت. به همین مناسبت سازمان ما تحت عنوان "مادر بهکیش، مادری از تبار فداییان از میان ما رفت" اطلاعیه ای صادر کرده است که این چنین آغاز می‌شود: مادر بهکیش از جمله مادران گرانقدری از تبار فدائیان بود که رژیم آدمکش جمهوری اسلامی ۵ فرزند دلاور و داماد برومندش را از او گرفت. رفقا محمدرضا (کاظم)، زهرا (اشرف)، محسن، محمود و محمدعلی از جمله فرزندان و رفیق سیامک اسدیان (اسکندر) داماد مادر بهکیش بودند. قهرمانانی که طی سال‌های ۶۰ تا ۶۷ در مبارزه‌ای بی‌امان با نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و در راه آزادی و سوسیالیسم جان باختند.

در فراز بعدی این اطلاعیه در مورد جایگاه مبارزاتی و تاریخ و نحوه جانباختن این رفقا چنین آمده است: رفیق محمدرضا (کاظم) عضو کمیته مرکزی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اقلیت) در اسفند ماه ۶۰ و رفیق زهرا (اشرف) عضو کمیته اجرایی سازمان در داخل و عضو مشاور کمیته مرکزی، در شهریور ۶۲ با رگبار پاسداران و نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی از پای درآمدند. رفیق محسن در شهریور ۶۲ دستگیر و در اردیبهشت ۶۴ اعدام گردید. رفقا محمود و محمدعلی نیز در تابستان ۶۲ دستگیر و پس از تحمل ۵ سال زندان سرانجام با فرمان خمینی جنایتکار در کشتار جمعی زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ حلق آویز شدند. رفیق کبیر سیامک اسدیان (اسکندر) عضو کمیته مرکزی سازمان و همسر رفیق اشرف بهکیش نیز در مهر ماه ۶۰ در پی انجام یک مأموریت سازمانی در آمل، شناسایی و با رگبار مزدوران سرمایه جان باخت.

اطلاعیه پس از نقل فرازهایی از سخنان مادر بهکیش به ویژگی‌های این مادر گرانقدر پرداخته و می‌نویسد: او به رغم اندوه سنگینی که در غم از دست دادن ۶ عزیز مبارز و دلاورش داشت، خصوصاً اندوه بی‌نشانی قبر دخترش زهرا، اما هرگز از پای نیفتاد. او در همه این سال‌های جور و شقاوت جمهوری اسلامی همیشه با امید به سرنگونی این نظام آدمکش و محاکمه سران جنایتکارش قامت راست کرد و در این مسیر خانه‌اش همواره محیطی گرم و صمیمانه برای مادران خاوران و دیگر مادران جانباختگان دهه ۶۰ بود.

اطلاعیه "مادر بهکیش، مادری از تبار فداییان از میان ما رفت" این چنین خاتمه می‌یابد: سازمان فدائیان اقلیت، ضمن ادای احترام و گرامیداشت یاد و خاطره گرانقدر مادر بهکیش، فقدان این عزیز از دست رفته را به همه دوستان و بازماندگان این مادر دلاور و بردبار، خصوصاً فرزندان او تسلیت می‌گوید.

۱۸ دسامبر ۲۰۱۵ (برابر با ۲۷ آذر ۱۳۹۴)، تشکیلات خارج کشور سازمان، اطلاعیه‌ای در همبستگی با مبارزات خلق مردم ستم کرد در ترکیه و محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه و جنایتکارانه رژیم ترکیه انتشار داد.

در این اطلاعیه آمده است: طی هفته‌های اخیر، حملات دولت ترکیه علیه مبارزات ضد دولتی در این کشور به ویژه در ماطق کرد نشین شدت گرفته است. دولت سرکوبگر ترکیه علاوه بر کشتار و خشونت علیه معترضین با اعزام بیش از ۱۰ هزار نیروی پلیس ضد شورش، مناطق کردنشین را میلیتاریزه کرده و برای چندمین بار طی سال جاری قوانین منع رفت و آمد و حکومت نظامی اعلام کرده است. موجی از اعتراضات علیه این اقدامات سرکوبگرانه در سراسر ترکیه به راه افتاده است.

در نتیجه این اقدامات جنایتکارانه، طی ماه‌های نوامبر و دسامبر (آبان و آذر) بیش از ۴۰۰ تن در شهرهای دیاربکر، جیزره و سیلوی کشته شده اند. مقاومت جوانانی که در مقابل حملات پلیس در شهرهای منطقه جنوب شرقی ترکیه سنگر بندی کرده بودند، وحشیانه سرکوب و تاکنون ده‌ها تن کشته شده اند. علاوه بر این، اعتراضات و تظاهراتی که در شهرهای استانبول و آنکارا علیه جنایات وحشیانه پلیس و دولت ترکیه و برای صلح برپا شده بود، به خاک و خون کشیده شد.

اطلاعیه سپس به اقدامات سرکوبگرانه دولت ترکیه علیه جریانات چپ و کمونیست و نیز دستگیری و کشتار منتقدین سیاسی، روزنامه نگاران و وکلای مترقی در سراسر ترکیه اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد: این اقدامات، ناشی از هراس دولت ترکیه از گسترش مبارزات و اعتراضات ضد دولتی در شرایط کنونی منطقه است.

اطلاعیه در پایان می‌گوید: تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن پشتیبانی از مبارزات انقلابی توده‌های مردم ترکیه، جنایات دولت این کشور را شدیداً محکوم می‌کند.

**تصحیح و پوزش :**

کار شماره ۷۰۷ مقاله کارگران پتروشیمی، پیشتازان پرولتاریای صنعتی، صفحه اول ستون سوم سطر سیزدهم به جای ۱۹ آبان، ۱۹ مهر آمده است که بدین وسیله اصلاح می‌گردد.

**زنده باد  
سوسیالیسم**

## یادداشت‌های سیاسی

### سوانح کار یا قتل عمد کارگران؟

روز یکشنبه ۶ دی ماه در محور دزفول - شوشتر بر اثر تصادف یک دستگاه کمپرسی و یک وانت ۴ نفر (۳ زن و ۱ مرد) کشته و ۱۳ نفر (۱۱ زن و ۲ مرد) زخمی شدند. کشته‌شدگان و مصدومین حادثه، کارگران کشاورزی بودند که از شهرک شرافت شوشتر به سوی محل کار خود در زمین‌های کشاورزی واقع در جاده دزفول می‌رفتند.

استان خوزستان یکی از استان‌هایی است که در آن کارگران مزارع کشاورزی به وسیله وانت جایجا می‌شوند. وقوع حوادث رانندگی برای خودروهای وانت حامل کارگران مزارع در شمال خوزستان ناگهان چندین قربانی به دنبال داشته است. اما استفاد از این نوع "سرویس تردد" محدود به استان خوزستان نیست. در آذر ماه ۹۳، تصادف وانت حامل ۱۸ کارگر زن در استان خراسان، ۱ کشته و ۱۴ مجروح بر جای گذاشته بود. مرگ و مصدومیت کارگران بر اثر چنین سوانحی، محدود به این کارگران نیست. در بهمن ماه سال گذشته نیز وانت حامل ۱۵ کارگر نیروی شرکت هفت‌تپه دچار حادثه شد. در دی ماه

همان سال نیز واژگونی یک دستگاه وانت منجر به کشته شدن دو کارگر هفت‌تپه و مصدومیت ۷ تن دیگر شده بود.

به جز وانت، استفاده از وسایل نقلیه فرسوده در جاده‌های ناامن ایران بارها و بارها به مرگ و مصدومیت کارگران منجر شده است. برای مثال در منطقه ویژه عسلویه با وجود هشدارهای متعدد کارگران نسبت به حادثه‌خیز بودن تردد با اتوبوس‌های فرسوده، کارفرمایان همچنان به استفاده از این خودروها که ۹۰ درصد آن‌ها فرسوده‌اند، ادامه می‌دهند. و کارگران با جان خود هزینه آن را می‌پردازند. در یک مورد، در بهمن ماه ۹۳ حادثه رانندگی به مرگ ۶ کارگر و راننده اتوبوس و مصدومیت ۲۲ کارگر دیگر منجر شد. پیش از آن هم در دی ماه، واژگونی اتوبوس کارگران به مصدومیت ۲۱ نفر انجامیده بود. این فهرست طولانی‌ست.

گرچه طبق ماده ۱۵۲ قانون کار جمهوری اسلامی، "در صورت دوری از کارگاه و عدم تکافوی وسیله نقلیه عمومی، صاحب کار باید

در صفحه ۸

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقتت)** نامه‌های خود را به یکی از آدرس‌های زیر ارسال نمایید.

آلمان:

K . A . R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

دانمارک:

I . S . F  
P . B . 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

سوئیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

هلند:

Postbus 23135  
1100 DP  
Amsterdam Z.O  
Holland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

Gironummer 2492097

نام صاحب حساب : Stichting ICDR  
IBAN:

NL08INGB0002492097  
BIC: INGBNL2A  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>  
<http://74.91.172.21/>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fedaiian (Aghaliyat)  
No 708 January 2015

با **سازمان فدائیان (اقتت)** از طریق وایبر، واتس‌آپ و تلگرام در تماس باشید  
تلفن هوشمند یا تبلت دارید؟ از نرم‌افزارهایی مثل وایبر، واتس‌آپ و تلگرام استفاده می‌کنید؟ ما را به فهرست خود اضافه کنید، پیام‌ها، تصاویر، فیلم‌ها و نظرات خود را برای ما بفرستید:  
۰۰۳۱ (۰) ۶۴۴۹۲۸۳۷۲



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

**تلویزیون دمکراسی شورائی**

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی از کانال تلویزیونی دیدگاه بروی ماهواره یاه‌ست (Yahsat) پخش می‌شود.

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی بدین قرار است:

**روزهای چهارشنبه هر هفته:**

ساعت ۹،۵ شب به وقت ایران،

ساعت ۷ شب به وقت اروپای مرکزی به مدت ۱ ساعت پخش میشود.

**تکرار برنامه‌ها در روزهای:**

پنجشنبه هر هفته ساعت ۹،۵ صبح به وقت ایران،

ساعت ۷ صبح به وقت اروپای مرکزی خواهد بود.

اگر به تلویزیون ماهواره ای دسترسی ندارید، میتوانید از طریق آدرس اینترنتی سایت دیدگاه و جی ال ویز به طور زنده و همزمان برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را مشاهده کنید:

<http://www.didgah.tv/fa>

مشخصات ماهواره ای کانال تلویزیون دیدگاه:

ماهواره یاه‌ست ۵ / ۵۲ درجه ی شرقی

فرکانس: ۱۲۰۷۳ - پولاریزاسیون: عمودی - سیمپلریت: ۲۷۵۰۰ - اف ای سی: ۷ / ۸  
شماره تلفن برای تماس با تلویزیون دمکراسی شورایی: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

آدرس ایمیل: [shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

آدرس تلویزیون دمکراسی شورایی در اینترنت: <http://tvshora.com>

آدرس پستی: I.S.F / P. B. 398 / 1500 Copenhagen V. / Denmark

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**